

چشمانِ تو، غزل

سزاینده

زهرا سیاوش آبکنار



سرشناسه	:	سیاوش آبکنار، زهرا، ۱۳۳۳ -
عنوان و نام پدیدآور	:	چشمان تو غزل / نویسنده زهرا سیاوش آبکنار.
مشخصات نشر	:	بندر انزلی: سپیدقلم، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	:	۲۷۶ ص.
شابک	:	978-622-7548-70-9
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیفا
موضوع	:	شعر فارسی -- قرن ۱۴ Persian poetry -- 20th century
رده‌بندی کنگره	:	PIR۸۱۰۸
رده‌بندی دیویی	:	۸۱۶/۶۲
شماره کتاب‌شناسی ملی	:	۸۷۵۱۰۵۳

www.ketab.ir



نام کتاب: چشمان تو، غزل

سراینده: زهرا سیاوش آبکنار

صفحه‌آرا: منصوره دل‌آور

طراح جلد: حسین آقایی‌پور پس بجارگفشه

نوبت چاپ / تاریخ انتشار: چاپ اول / سال ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ جلد

تعداد صفحات: ۲۷۶ ص، رقعی

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۵۴۸-۷۰-۹

انتشارات سپیدقلم

دفتر مرکزی: بندر انزلی - خیابان سپه - پاساژ رضابخش - طبقه دوم.

تلفن: ۰۹۱۱۳۳۰۴۰۷۹ - ۰۹۱۱۸۱۴۹۵۷۸

E-Mail: mdelavar2@gmail.com

عنوان

صفحه

شعر

۱	دیاجه
۵	حرف تو
۷	می آیم
۹	بر پرده های عرش
۱۰	نیایش عید
۱۱	این بهشت
۱۳	آمد طیبیم
۱۴	و... ذهن کوه ترک می خورد از این پژواک
۱۶	حسرتش در باد
۱۷	گلخانه ی تاریخ
۲۰	از رود شعرهای ریتمم، کمر بختی
۲۲	آسمانی در اتاق
۲۴	من بی تو
۲۶	بهار
۲۷	مادرم
۲۹	و... چند رباعی
۳۱	یاد
۳۲	آه!
۳۳	غزل
۳۴	دارا و سارا
۳۵	به امتداد لبانات
۳۶	حسرت
۳۷	در انتظار بهار

شعر	صفحه
بنشین!	۳۹
غزل	۴۱
غزل	۴۲
دلمویه	۴۳
معنی کنیم	۴۵
راهم دراز و قبله‌ی من سرخ	۴۶
پیری	۴۷
چشم درویش	۴۹
غم تنهایی	۵۰
همیشه نام تو را خواندن	۵۲
و از چشمات خجسته‌ی باب می‌شد	۵۳
زن	۵۴
پیشکش به نوه عزیزم، هیراد	۵۵
آبی‌ترین تموج اقیانوس	۵۷
چشمان زندانی	۵۸
غزل	۵۹
پردیس	۶۰
آن روزها	۶۱
ایران پژوه	۶۲
خط سوم	۶۴
به یاد زهره	۶۵
آوار دل	۶۷
اشتباه تو	۶۹
طواف عشق	۷۱

- روح آینه‌ها ۷۲
- رد پای عیدها ۷۴
- نوروز ۷۷
- راز نگاه ۷۹
- سوگ سرود ۸۰
- غزل ۸۲
- و... یک ترکیب بند با تضمینی از غزل سعدی ۸۳
- زمزم جان ۹۱
- بگذار بر بگیرند ۹۲
- غزل ۹۳
- بارش سیماب ۹۵
- و قاب پنجره، چشمت از هوای برفی بود ۹۷
- چشمک بزن همیشه در لاف زدن من ۹۹
- طلوع می‌کند ز تو ۱۰۱
- خداوند! چه نزدیکم به معراج! ۱۰۳
- غزل ۱۰۵
- تکرار بی تعبیر ۱۰۷
- ارغوان خون ۱۰۸
- به پندارم نیست ۱۱۰
- نغمه‌ی نوروز ۱۱۲
- روز طبیعت ۱۱۴
- تو خورشیدی ۱۱۷
- دنبال کیستی؟ ۱۱۹
- رقص نگاه ۱۲۰

شعر	صفحه
بس است.....	۱۲۲
غزل.....	۱۲۴
غزل.....	۱۲۵
قطعه.....	۱۲۶
شعر تو.....	۱۲۷
غزل.....	۱۲۹
دریا، توهم.....	۱۳۰
خردام سرخابی.....	۱۳۲
دُر پنهان.....	۱۳۴
بس که باران تو بر دوشم چکید.....	۱۳۵
تو، شادی شقایق.....	۱۳۸
نسیم خیس.....	۱۳۹
بی تو غمگین ترینم.....	۱۴۰
ای پنجره ها!.....	۱۴۲
من امید رسیدن.....	۱۴۴
غزل.....	۱۴۵
سخت است.....	۱۴۶
آبی چشمان ات.....	۱۴۸
نگاه شب.....	۱۵۰
رگبار درد.....	۱۵۱
بیداری بعدی.....	۱۵۲
به سوی خانه ی معبود.....	۱۵۴
سفره ی دل.....	۱۵۵
تو چگونه رفته ای؟.....	۱۵۷

۱۵۹	این تلخ واژه‌ها
۱۶۱	رایحه‌ی انتظار
۱۶۳	مادر
۱۶۴	باران رحمت
۱۶۵	در سوگ نازنین مادرم
۱۶۷	باید بسوزم
۱۶۸	غزل
۱۷۰	بهاریه
۱۷۲	به پیشواز تولد نوه‌ام (پریاس)
۱۷۴	سیلاب
۱۷۶	غزل
۱۷۸	پیری
۱۸۰	کارزار
۱۸۳	به پیشواز زادروزم (۱۱ فروردین ۱۳۸۱)
۱۸۵	هدیه‌ها
۱۸۷	پریاس
۱۸۹	بدر
۱۹۱	وقتی تو را می‌نویسم
۱۹۲	چون درختان
۱۹۳	گریخت
۱۹۴	خرداد
۱۹۶	نفس صبح
۱۹۷	زخمی‌ام
۱۹۹	غزل

شعر	صفحه
تا اید در راه.....	۲۰۰
خاطره‌ها.....	۲۰۲
نام‌اش بلند باد!.....	۲۰۴
یک زن.....	۲۰۶
شادی چه کوچک بود!.....	۲۰۸
ای آخرین ستاره!.....	۲۱۰
خونین نفس.....	۲۱۲
نقش تو.....	۲۱۳
مرا، چراغ بیاور.....	۲۱۵
آتش عشق.....	۲۱۶
جا گذاشتی.....	۲۱۸
ای عشق!.....	۲۲۰
سوگ سرود.....	۲۲۲
غزل.....	۲۲۴
سوگ سرود.....	۲۲۶
آخر کجایی؟.....	۲۲۸
نگاه سرد.....	۲۳۰
بیا.....	۲۳۱
از نسل فریادی.....	۲۳۲
کودکم.....	۲۳۳
مرا تابی نیست.....	۲۳۴
پیام باییز.....	۲۳۵
غزل.....	۲۳۷
صدای تو.....	۲۳۹

دیباچه

هزار و اندی سال از شکوفایی شعر پارسی گذشته است و در تمام سبک‌های آفریده شده از خراسانی تا هندی و اصفهانی و دوره بازگشت ادبی تا سبک نیوکلاسیک امروزی، غزل همواره در وزن‌های ریتیمیک و آهنگین، با بیانی تمثیلی، حماسی و گاه تلمیحی، معناپذیر و مفهوم‌گرا، پیشاهنگ بوده و در جایگاهی برتر قرار داشته است؛ و شخصیت‌های فرزانه‌ای چون مولوی، حافظ، سعدی، صائب تبریزی و بیدل دهلوی، مظهر جاودانگی آن بوده‌اند تا امروز که زبان اگرچه با میراث تغزل نیز چرخیده و تغییر کرده، اما آن را تازه‌تر و پُر بارتر تحویل

ما داده است.

نمی‌دانم آن آفریننده‌ی پاک - امروز - مرا برای غزل
آفریده است؟! یا غزل را برای بیانِ شیدایی من؟! ولی
می‌دانم که از ۱۱ سالگی بوسه به چشمانِ دوست زدم.
اطاعت کردم. خلعت شعر پوشیدم و دفترهای غزل را از
دست‌های مهربانش گرفتم و گشودم... دفترهای سهم من
همه سفید بود و من، رسالت احساس و ادراک لحظه‌ها
را پذیرفتم. آن‌اتم را نوشتم... و دفترهایم را نام گذاشتم:
(فصل سکوتِ مشاهده‌ها - پَرند خیال - غزل گفتی برای
کُشتن من - چشمانِ تو، غزل).

امروز غزل، باز تابانِ دنیای شیدایی‌ام شده است:

من سبز می‌نویسم و تحریر می‌کنم خود را میانِ دفتر
و دل پیر می‌کنم...

اگرچه در پرتوِ غزل، سرودهای نیمایی و سپید و
گفتاری و کوتاه شعرها هم قد کشیده‌اند؛ و در دفترهایی
دیگر گرد آمده‌اند؛ اما غزل، این زیباترین نماد شعر پارسی
همواره جایگاه ویژه‌ی خود را دارد و در تنگنای قافیه‌ها،

باز می‌تواند تا بنده‌ی احساس و عواطف شاعر باشد. غزل
همچنان عروسِ شعرِ ایران است و شاد و سپیدپوش بر
صدرِ جایگاهِ زندگی نفس می‌کشد که ذهن آشنا و
دوستدارِ دل است و... سایر انواع شعر ساقدوش این
عروس‌اند. چرا که با غزل می‌توان عشق را در همه‌ی ابعاد
آن سرود و از عشق زمینی به عالم معنا پرواز کرد. چنان که
من هزاران بار این پدیده را با غزل تجربه کرده‌ام. آری با
غزل می‌توان آیینی (عاشورایی) و حماسی سرود.

با غزل می‌توان به جامعه اندیشید. گفتمان‌هایی را
مطرح کرد و اجتماعی سرود می‌توان بار حسی و عاطفی
ذهن را به مخاطب القا کرد.

می‌توان عاشق ماند. می‌توان طنز (طنزپرداز) شد.
پس غزل تنها دل‌نگر نیست که دنیانگر و به عبارتی
جهان‌شمول و جامعه‌نگر هم هست. با غزل می‌توان:

کم گوی و گزیده گوی چون دُر

تا ز اندکِ تو، جهان شود پُر

و... این دفتر که یازدهمین مجموعه‌ی شعر من است؛

غزل‌های چاپ نشده‌ی هفت سال از عمر مرا (از ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ و ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۸) پیشکش به بزرگان، ادبا و مخاطبان شعر دوست می‌کند؛ تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

این دفتر شامل ۱۳۸ غزل و ۹ قطعه، ۱ مثنوی، ۷ رباعی و ۱ ترکیب‌بند است.

در پایان از زحمات ناشر محترم، «سرکار خانم دکتر دل‌آور» و همکاران ایشان، سپاس مندام.

زهرای سیاوش آبکنار

شاعر، نویسنده، پژوهشگر و منتقد ادبی

دی‌ماه ۱۴۰۰ / رشت